

ریخت‌شناسی قصه‌های پریان در زبان کردی

سیدمظهر ابراهیمی*

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان

سیداحمد پارسا

استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ریخت‌شناختی قصه‌های پریان در زبان کردی می‌پردازد. تعیین ساختار این قصه‌ها، نمایاندن میزان تفاوت‌ها و اشتراکات ساختاری آن‌ها با پژوهش ولادیمیر پراپ و کمک به شناخت بهتر قصه‌ها در دیگر زبان‌های ایرانی از اهداف این تحقیق است. روش پژوهش، توصیفی است و داده‌ها به‌شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و براساس الگوی ولادیمیر پراپ در *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان* تجزیه و تحلیل شده است. پس از اینکه ۱۵۵ قصه بررسی ساختاری شد، ۳۱ خویشکاری، ۷ حوزه عملیات، ۹ گونه وضعیت آغازین و ۱۸ نوع ترکیب حرکتی تعیین گردید. نتیجه نشان می‌دهد الگوی پراپ بر قصه‌های پریان در زبان کردی کاملاً انطباق دارد و ساختار نهایی آن‌ها به همان ۳۱ خویشکاری پیشنهادی وی محدود است. آنچه قصه‌های پریان در زبان کردی را از نمونه‌های مشابه مورد بررسی پراپ متفاوت می‌کند، شیوه‌های مختلف شکل‌گیری برخی خویشکاری‌هاست که البته، این اختلافات ساختار جدید و متفاوتی را به‌وجود نمی‌آورد.

واژه‌های کلیدی: ساختار، ریخت‌شناسی، قصه‌های پریان، قصه‌های کردی، ولادیمیر پراپ، خویشکاری.

* نویسنده مسئول: mazharebrahimi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۷

۱. مقدمه

قصه‌ها به‌عنوان ژانری مهم از ادبیات شفاهی، آینه باورها، آرزوها، روحیات، دانش و جهان‌بینی گذشتگان، و بیانگر بسیاری از ناگفته‌های زندگی آنان است. قصه‌ها - برخلاف متون مکتوب که معمولاً به زندگی قشر فرادست جامعه می‌پردازند - منابعی مطمئن برای شناخت تاریخ واقعی بشر و زندگی فرودستان جامعه هستند.

این نوع از ادبیات شفاهی انواع گوناگونی دارد؛ از جمله آن‌ها قصه پریان است که بازتابنده رؤیاها و آرزوهای بشر و میدان تلاش او برای دستیابی به آن‌هاست. تالکین (۱۳۸۸: ۴۸) قصه‌های پریان را نه توصیف خود پریان، بلکه توصیف سرزمین پریان و ماجراجویی‌های انسان در این قلمرو زیبا و مهلک می‌داند.

اگرچه بنیاد قصه‌های پریان بر خیال‌پردازی و تحریف واقعیت استوار است، «قرن‌ها پیش از آغاز زندگانی تاریخی بشر پدید آمده است؛ از همین روی، تنها روزنه نورانی و پرتو روشننگری است که به تاریخ‌خانه قرون و اعصار قبل از تاریخ می‌تابد» (محبوب، ۱۳۸۲: ۱۲۴). این قصه‌ها «در نتیجه تکامل فکری جوامع ابتدایی به وجود آمده و با آیین و شیوه پرستش مردمان این جوامع در پیوند بوده است» (رسول، ۲۰۰۳: ۶). شناخت بهتر قصه‌های پریان علاوه بر افزایش درک و آگاهی‌مان از ادبیات شفاهی، ما را با بسیاری از واقعیت‌های پنهان زندگی نیاکانمان آشنا می‌کند و بر دانش ما از روند تکامل فرهنگ بشری می‌افزاید.

اهمیت قصه‌ها گردآوری و انتشار مجموعه‌های بزرگی از قصه‌های ملل گوناگون را در پی داشت و همین امر باعث شد پژوهشگران در طول دو قرن گذشته با دیدگاه‌های مختلف به تحلیل و طبقه‌بندی آن‌ها بپردازند. با ورود ساختارگرایی به عرصه پژوهش‌های قصه‌شناسی، این تحقیقات در مسیری تازه قرار گرفت. در دهه ۱۹۶۰م، مکتب ساختارگرایی با تأثیر از نظریات بنیان‌گذار زبان‌شناسی ساختاری، فردینان دوسوسور، در اروپا شکوفا شد. تحقیقات لوی استراوس فرانسوی نقطه آغاز شکوفایی و ورود ساختارگرایی به حوزه علوم انسانی بود. این مکتب و روش‌های منتج از آن سال‌هاست نبض این‌گونه تحقیقات را در اختیار دارند و طی این مدت، پژوهشگرانی از سرتاسر جهان برای بسط و تکامل آن کوشیده‌اند.

ولادیمیر پراپ سه دهه پیش از شکوفایی ساختارگرایی، موفق به کشف ساختار قصه‌های پریان شده بود. تلاش‌های او به کشف الگویی انجامید که می‌توان آن را نقطه شروع بررسی علمی ساختار روایت‌ها به‌شمار آورد. وی با تجزیه و تحلیل صد قصه روسی، به وجود عناصر به‌هم‌وابسته‌ای پی برد که زیرساخت همه قصه‌های پریان را تشکیل می‌دهد. پراپ نتیجه تحقیقاتش را در سال ۱۹۲۸م در کتاب **ریخت‌شناسی قصه‌های پریان** به‌چاپ رساند؛ اما ارزش واقعی کار وی با ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۹۵۸م آشکار شد. به گفته آلن داندس (ر.ک: پراپ، ۱۳۸۶: ۷)، کتاب پراپ بر فولکلورشناسان، زبان‌شناسان، مردم‌شناسان و منتقدان ادبی تأثیری عظیم گذاشته است و کسانی همچون لوی استراوس، داندس، برمون، گریماس، بارت و تودروف در بررسی‌هایشان از او الهام گرفته‌اند. این الگو با وجود تغییراتی که پژوهشگران پس از پراپ در آن داده و آن را بازبینی کرده‌اند، هنوز اهمیت خود را حفظ کرده است و از روش‌های دقیق تجزیه و تحلیل روایت محسوب می‌شود. برخی مزیت‌های الگوی پراپ عبارت‌اند از:

۱. این امکان را فراهم می‌آورد که به‌جای بررسی منفرد طرح‌ها و موتیف‌ها، ژانر قصه‌ها به‌صورت یک کل بررسی شود (ر.ک: پراپ، ۱۳۷۱: ۱۱۱).
 ۲. نتایج به‌دست‌آمده از این روش، محصول داده‌های مواد مورد بررسی است، نه ذهنیت و پیش‌فرض‌های پژوهشگر.
 ۳. «همیشه آزمون‌پذیر است و می‌توان از لحاظ تجربی درستی و نادرستی آن را نشان داد» (پراپ، ۱۳۸۶: مقدمه، هشت و نه).
 ۴. «تنها به تحلیل می‌پردازد و ارزیابی‌کننده نیست و ضمن رد معنای آشکار، درصد جدا کردن برخی از ژرف‌ساخت‌های درون اثر است» (ایگلتن، ۱۳۶۸: ۱۳۲).
- پراپ (۱۳۸۶: ۴۴) معتقد است با بررسی صحیح ریخت‌شناختی و تعیین ساختار کلی قصه‌ها، زمینه سنجش و مقایسه آن‌ها با هم، با دین و با اسطوره فراهم می‌شود و از این طریق می‌توان بر مسائلی همچون روابط تمدن‌های قدیمی، ارتباط حکایات ملل مختلف و مواردی از این‌دست روشنی افکند.

موضوع این پژوهش، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان در زبان کردی است. نگارندگان درصددند تا با بررسی ریخت‌شناختی قصه‌های مذکور، ضمن تعیین ساختار این‌گونه قصه‌ها، امکان مقایسه آن‌ها را با گونه‌های دیگر قصه و نیز با قصه‌های پریان دیگر سرزمین‌ها فراهم کنند. تعیین ساختار قصه‌های پریان در زبان کردی براساس الگوی ولادیمیر پراپ، شناخت بهتر ساختار قصه‌های کردی، کمک به شناخت بهتر قصه‌های اقوام ایرانی از طریق میزان تعمیم نتایج این پژوهش به آن‌ها و شناخت بهتر میزان تفاوت‌ها و اشتراکات ساختاری این قصه‌ها با پژوهش پراپ از اهداف تحقیق حاضر محسوب می‌شود.

قلمرو این پژوهش، قصه‌های پریان در زبان کردی است. پراکندگی کردها در کشورهای ترکیه، ایران، عراق، سوریه و منطقه قفقاز و عدم دسترسی به تمام منابع دربرگیرنده قصه‌های کردی، به‌ویژه منابع مربوط به کردهای ترکیه، سوریه و منطقه قفقاز و نیز گردآوری نشدن قصه‌های تمام مناطق کردنشین، از موانع و محدودیت‌های این پژوهش بود. محدودیت دیگر پژوهش، طبقه‌بندی نشدن قصه‌های کردی بود که برای رفع آن، وقت زیادی صرف بررسی منابع و تعیین قصه‌های پریان شد.

۲. پرسش‌های پژوهش

۱. قصه‌های پریان در زبان کردی براساس نظریه پراپ در ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، دارای چه ساختاری هستند؟
۲. ساختار قصه‌های پریان در زبان کردی در مقایسه با پژوهش پراپ دارای چه همسانی‌ها و ناهمسانی‌هایی است؟

۳. روش، جامعه آماری و حجم نمونه پژوهش

در پژوهش حاضر، داده‌ها به‌روش کتابخانه‌ای گردآوری و براساس الگوی ولادیمیر پراپ در ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، تجزیه و تحلیل شده‌اند. جامعه آماری تحقیق، قصه‌های پریان در زبان کردی است که ۲۷۰ قصه را دربرمی‌گیرد. تعیین جامعه آماری پژوهش طی سه مرحله به‌شیوه زیر انجام گرفت:

۱. گردآوری و مطالعه منابع: در این مرحله تا آنجا که امکان داشت منابع مکتوب حاوی قصه‌های کردی به زبان کردی (همه گویش‌ها) و فارسی گردآوری و مطالعه شدند. این منابع مشتمل بر ۷۰ کتاب و بیش از ۱۷۰۰ متن بود.
۲. شناسایی قصه‌های پریان: در این مرحله، با توجه به کدهای ۳۰۰ تا ۷۴۹ فهرست آرنه - تامپسون (ر.ک: مارزلف، ۱۳۹۱: ۷۵-۱۵۲) قصه‌های پریان شناسایی شد. مواد به‌دست‌آمده در این مرحله حدود ۶۰۰ قصه بود.
۳. تعیین جامعه آماری: در این مرحله، پس از بررسی ۶۰۰ قصه پریان به‌دست‌آمده، تعداد ۲۷۰ قصه برای جامعه آماری پژوهش در نظر گرفته شد. معیار انتخاب این قصه‌ها، اصالت منابع، کامل بودن قصه‌ها، روش علمی گردآوری و عدم دست‌کاری و تلخیص آن‌ها از سوی گردآورندگان بود.
- حجم نمونه پژوهش براساس فرمول کوکران ۱۵۵ قصه است که با بهره‌گیری از جدول تصادفی اعداد انتخاب شدند.

۴. قصه‌های کردی

قصه‌های کردی دارای دو شکل منظوم و منثور است. شکل منظوم را بیت و شکل منثور را حکایت، راز، افسانه، نقل، داستان، چیروک و... می‌گویند. برخی از بیت‌ها ترکیبی از نظم و نثرند؛ مانند مَم و زین و زمبیل فروش (ر.ک: مان، ۱۳۶۴)؛ اما درکل، بنای بیت برپایه نظم استوار است و با آواز و آهنگی خاص خوانده می‌شود.

ثاکستون، استاد دانشگاه کمبریج آمریکا، در سال ۱۹۹۹م هجده قصه کردی مناطق سلیمانیه و کرکوک را که محمد حمه‌صالح توفیق گرد آورده بود، به انگلیسی ترجمه کرد و مقدمه‌ای کوتاه بر آن نوشت. از نظر وی، میان این قصه‌ها و قصه‌های ایرانی تفاوت چندانی وجود ندارد و در این باره می‌نویسد: «باوجود اینکه امروزه بخش بزرگی از کردها در عراق، سوریه و ترکیه زندگی می‌کنند، اما زبان آن‌ها به زبان فارس‌ها نزدیک‌تر است تا ترک‌ها و عرب‌ها، و این نزدیکی و شباهت در دنیای فولکلور، بهتر نمایان می‌شود» (حمه‌صالح توفیق، ۲۰۰۰: ۲۸۱). ثاکستون به برخی موتیف‌های مشترک قصه‌های کردی و انگلیسی نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: این‌ها

مانند بسیاری از موتیف‌های فولکلور ایرانی ریشه هندواروپایی دارند و حضورشان در قصه‌های کردی موجب شگفتی نیست (همان، ۲۸۲).
 نظر اولریش مارزلف، استاد دانشگاه گوتنگن آلمان، در این زمینه متفاوت است. او می‌نویسد:

ایران کشوری است با اقوام گوناگون و متنوع. [...] هریک از این اقلیت‌ها تفاوت بین و آشکاری با مردم فارسی‌زبان دارد. در اینجا به‌خصوص وضع کردها را یادآور می‌شویم. این قوم پس از جنگ جهانی اول در اثر تقسیمات ارضی به‌صورتی قطعی خرد و تجزیه شد؛ به‌نحوی که کردها امروز در پنج کشور مختلف زندگی می‌کنند. هرچند که کردها هرگز دولتی مستقل از خود نداشته‌اند، از تلاش‌های فوق‌العاده‌ای که امروزه برای دستیابی به استقلال می‌کنند، می‌توان فهمید که علی‌رغم این تجزیه و پراکندگی باز همچون گذشته خود را ملت واحدی که به خود متکی است، می‌شناسند و این امر، بیش از همه در زبان و فرهنگ آنان مستند شده است. درباره‌ی قصه‌های کردی تا به حال به‌کرات چنین اظهارنظر شده که این قصه‌ها دارای ماهیتی خاص هستند و هرگاه آن‌ها را بدون ملاحظه و یکدل و یک‌جهت از توابع حوزه‌ی فرهنگی ایران بشماریم، مشکلاتی در کار ایجاد خواهد شد (۱۳۹۱: ۲۵).

درویشیان نیز معتقد است: «در میان افسانه‌های ملل، افسانه‌های ایرانی جای برجسته و ویژه‌ای دارد و در این میان، افسانه‌های کردی دارای رنگ‌وبوی دیگری است» (۱۳۸۶: ۲۲).

شایان ذکر است که این پژوهشگران قلمرو زبانی، موتیف‌ها و عناصر متغیر قصه‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. درمقابل این‌ها، عناصر ثابت و بنیادی وجود دارند که کمتر دچار تغییر می‌شوند. این عناصر ساختار این‌گونه روایات را تشکیل می‌دهند و بررسی آن‌ها راه را برای مقایسه‌ی همه‌جانبه و دقیق‌تر قصه‌های ملل و اقوام گوناگون هموار می‌سازد. نتایج این پژوهش می‌تواند در این زمینه سودمند باشد.

۵. پیشینه پژوهش

۵-۱. ریخت‌شناسی در ایران

پراپ در سال ۱۹۲۸م کتاب *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان* را منتشر کرد و از آن زمان تاکنون، بیش از هشتاد سال می‌گذرد. در طول این سال‌ها، به‌ویژه پس از انتشار ترجمه‌ی

انگلیسی آن در سال ۱۹۵۸م، پژوهشگرانی از سراسر جهان بارها الگوی وی را برای تعیین ساختار انواع روایات به‌کار بسته و کارایی آن را به‌اثبات رسانده‌اند. پیشینه به‌کارگیری این الگو در ایران به ده سال اخیر برمی‌گردد و در فاصله این سال‌ها حدود پنجاه پژوهش بر مبنای آن انجام گرفته که قسمت اعظم آن‌ها پایان‌نامه کارشناسی ارشد و سه رساله دکتری بوده است.

درباره قصه‌های عامیانه ایرانی، چهار پژوهش بر اساس الگوی پراپ صورت گرفته است: وطن‌پور (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌اش قصه‌های عامیانه بخش اوز در استان فارس را گردآوری و هفت نمونه از آن‌ها را ریخت‌شناسی کرده است. گوهری بخشایش (۱۳۸۸) و سلیمی (۱۳۹۱) نیز در پایان‌نامه‌های خود، به‌ترتیب به ریخت‌شناسی مجموعه دو جلدی *قصه‌های صبحی* و قصه‌های کتاب *گل به صنوبر چه کرد* پرداخته‌اند. خدیش (۱۳۹۱) نیز در کتابی با عنوان *ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایرانی*، با تقلیل و دست‌کاری خویشکاری‌های ۳۱ گانه پراپ و با الهام از روش‌های کلود برمون و ساتو آپو، صد قصه عمدتاً فارسی را ریخت‌شناسی کرده است.

۲-۵. ریخت‌شناسی قصه‌های کردی

درباره قصه‌های کردی، بر اساس الگوی پراپ دو پژوهش انجام گرفته است. شکریه رسول (۲۰۰۳) در کتابچه‌ای با عنوان *حه کایه‌تی خورانی کوردی له رووی مورفولوژییه وه* (قصه‌های جادویی کردی بر اساس الگوی ریخت‌شناسی) ابتدا الگوی پراپ را توضیح داده و سپس شش قصه جادویی مربوط به شهرهای سلیمانیه، کویه و قلادزه کردستان عراق را ریخت‌شناسی کرده است. وی در این کتاب، عناصر ثابت قصه‌ها و نیز برخی از عناصر ویژه بومی را تعیین کرده و در پایان، نمودگار کلی قصه‌ها را به‌صورت زیر نشان داده است:

«راهی شدن قهرمان ← برخورد با بخشنده ← کشمکش با شریر ← پیروزی بر شریر و مجازات او ← پایان» (رسول، ۲۰۰۳: ۱۱۷).

به‌نظر می‌رسد هدف شکریه رسول در این کتاب بیشتر معرفی الگوی پراپ بوده؛ زیرا مواد پژوهش وی فقط شش قصه از یک منطقه جغرافیایی را دربرمی‌گیرد و واضح است که نتایج حاصل از بررسی این تعداد را نمی‌توان به تمام قصه‌های پریان کردی

تعمیم داد. رسول باینکه در تعیین خویشکاری‌ها دقت کرده، فقط شش مورد از آن‌ها را به‌عنوان نمودگار کلی قصه‌ها معرفی نموده و بقیه را حذف کرده است. نکته دیگر این است که در کتاب مذکور، درباره حرکت قصه‌ها توضیحی داده نشده و در نتیجه، تعیین حرکت صورت نگرفته است.

گورانی نیز در پایان‌نامه خود با عنوان *ریخت‌شناسی قصه‌های کردی*، ۵۱ قصه را براساس الگوی پراپ ریخت‌شناسی کرده است. از این تعداد، سیزده مورد با تلاش خود وی گردآوری شده و بقیه از کتاب‌های *مادیان چهل کره* و *افسانه‌های کردی* از یاقوتی، *افسانه‌ها و مثل‌های کردی* اثر درویشیان، *افسانه‌های کردان* از اردیشانه و سسیله سسیل [اردوخان و جلیل جلیل] و *افسانه‌های کردی* اثر رودنکو انتخاب شده‌اند.

گورانی (۱۳۹۲: ۴-۵) قصه‌های کردی منتشرشده به زبان فارسی را پنج اثر می‌داند و در فصل نتیجه‌گیری می‌نویسد: «در این تحقیق هرآنچه از قصه‌های کردی مدون که در دسته قصه‌های سحر و جادو قرار می‌گرفت، بررسی شد و فعلاً مجموعه تازه‌ای از قصه‌های کردی انتشار نیافته است» (همان، ۱۳۶). اما در واقع، تعداد این منابع از پنج مورد بیشتر است و از آن جمله می‌توان به *داستان‌های کهن کردی* (لیسکو، ۱۳۷۰)، *درخت چهل دستان* (توحی، ۱۳۷۹)، *چپروک* (سلیمی، ۱۳۹۰) و *افسانه‌هایی از سرزمین ایلام* (علیرضایی، ۱۳۸۸) اشاره کرد.

گورانی همچنین درباره تاریخچه گردآوری قصه‌های کردی می‌نویسد: «در زمینه گردآوری قصه‌های عامیانه ایرانی می‌توان به تاریخچه‌ای با سابقه یک قرن اشاره کرد؛ اما این امر درخصوص قصه‌های کردی قدمتی چندان ندارد و تنها در حدود نیم‌قرن گذشته تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است» (۱۳۹۲: ۲۱). این درحالی است که نخستین فعالیت در زمینه گردآوری قصه‌های کردی به سال ۱۸۵۵م و تلاش و همکاری شرق‌شناس روسی، الکساندر ژابا، و ملامحمود بایزیدی برمی‌گردد (ر.ک: بایزیدی، ۱۳۶۹: ۲۶).

نکته دیگر این است که در میان قصه‌های مورد بررسی در این تحقیق، نمونه‌هایی به‌چشم می‌خورند که در رده قصه‌های پریان (کدهای ۳۰۰-۷۴۹ فهرست آرنه-تامپسون) جای نمی‌گیرند؛ برای مثال، قصه «شه‌رود و مه‌رود» (ر.ک: گورانی، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۲) در رده قصه‌های «دیو ابله» قرار دارد و دارای کد ۱۰۰۰* (ر.ک: مارزلف، ۱۳۹۱: ۱۹۰)

است. قصه‌های «بازرگان خسیس» (ر.ک: گورانی، ۱۳۹۲: ۸۰-۸۱) و «چرا ماهی‌ها خندیدند» (همان، ۱۱۹) نیز از نوع «قصه‌هایی مانند داستان کوتاه» هستند و در کتاب *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی به ترتیب با کدهای* *۹۳۶ و *۸۷۵D_۱ مشخص شده‌اند (ر.ک: مارزلف، ۱۳۹۱: ۱۶۶ و ۱۸۲).

گفتنی است که چند نمونه از قصه‌هایی که در تحقیقات مذکور بررسی شده‌اند، در این پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، ۱۵۵ قصه منتخب از ۴۹ منبع بررسی شده که ۴ مورد از آن‌ها جزو ۵ منبع مورد استفاده گورانی نیز بوده است. از این میان، تعداد هشت قصه در هر دو تحقیق تکرار شده است (قصه‌های شماره ۵۸-۶۰، ۶۷ و ۸۶-۸۹).

۶. الگوی ریخت‌شناختی ولادیمیر پراپ

ریخت‌شناسی رویکردی است ساختارگرایانه که در پی شناسایی عناصر بنیادین روایت است؛ عناصری که سازه‌های اصلی ساختمان روایت شمرده می‌شوند و اجزای فرعی برپایه آن‌ها گسترش می‌یابند. ولادیمیر پراپ با بررسی صد قصه پریان یا جادویی روسی از مجموعه آفاناسی‌یف، موفق به کشف و استخراج کوچک‌ترین واحدهای سازنده این گونه از قصه‌ها شد. او روش خود را ریخت‌شناسی نامید و آن را «توصیف قصه‌ها برپایه اجزای سازای آن‌ها و هم‌بستگی این سازه‌ها با یکدیگر و با کل قصه» تعریف کرد (پراپ، ۱۳۸۶: ۴۹).

پراپ طی تحقیقات خود متوجه شد قصه‌های پریان دارای ساختاری واحد هستند. این ساختار متشکل از ۳۱ خویشکاری است که میان کنشگران هفت حوزه عمل تقسیم می‌شود. وی نتیجه تحقیقات خود را به صورت چهار نظریه بنیادی مطرح کرد که از این قرارند:

۱. خویشکاری‌های اشخاص قصه، عناصر ثابت و پایدار را در قصه تشکیل می‌دهند.
۲. شماره خویشکاری‌ها محدود است.
۳. توالی خویشکاری‌ها همیشه یکسان است.
۴. همه قصه‌های پریان از جهت ساختمانشان از یک نوع‌اند (همان، ۵۳-۵۴).

۱-۶. وضعیت آغازین

وضعیت یا صحنه آغازین از عناصر مهم روایت و شامل توصیف و خبری است که راوی درباره اشخاص قصه و شرایط زندگی آنها و نیز زمان و مکان رویدادها به دست می‌دهد. پراپ در این زمینه می‌نویسد: «هر قصه معمولاً با یک صحنه آغازین شروع می‌شود؛ مثلاً اعضای خانواده‌ای نام برده می‌شوند یا قهرمان آینده با ذکر نام و موقعیتش معرفی می‌شود. این صحنه با آنکه یک خویشکاری محسوب نمی‌شود، یک عنصر ریخت‌شناختی بسیار مهم است» (۱۳۸۶: ۶۰).

۲-۶. خویشکاری‌ها

خویشکاری به عنوان عنصری بنیادی و تجزیه‌ناپذیر «یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود» (همان، ۵۳). خویشکاری‌ها عناصر ثابت و اصلی قصه‌ها هستند و آنچه تغییر می‌کند، نحوه انجام گرفتن آنها، ویژگی‌های فردی کنشگران و... است. مثال‌های زیر به روشن‌تر شدن بحث کمک می‌کند:

- پادشاه قهرمان را به جست‌وجوی شاهزاده‌خانم می‌فرستد؛ قهرمان عزیمت می‌کند.
 - بازرگان پسرش را به دنبال شیئی عجیب و غریب می‌فرستد؛ پسر عزیمت می‌کند.
 - خواهر برادرش را به دنبال آتش می‌فرستد؛ برادر عزیمت می‌کند.
 - زن پدر نادختری‌اش را به دنبال آتش می‌فرستد؛ نادختری عزیمت می‌کند.
 - شاهزاده‌خانم همسرش را به دنبال پرنده جادویی می‌فرستد؛ همسر عزیمت می‌کند.
- در این مثال‌ها، عنصر مشترک، ثابت و تکرارشونده در همه آنها، دو خویشکاری «گسیل داشتن» و «عزیمت کردن» است. نام، نسبت، شغل اشخاص، انگیزه‌ها و مانند آن عوامل متغیر هستند و تغییر و جابه‌جایی آنها بر ساختار قصه تأثیری ندارد.
- خویشکاری‌ها «از نوعی توالی منطقی تبعیت می‌کنند و هر چند هیچ افسانه‌ای شامل همه آنها نیست، اما در هر افسانه‌ای همواره توالی خود را حفظ می‌کنند» (سلدون و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۱۴۲). از ۳۱ خویشکاری مورد نظر پراپ، ۷ مورد اول شامل ۱. غیبت، ۲. نهی، ۳. نقض نهی، ۴. خبرگیری، ۵. خبردهی، ۶. فریب‌کاری، ۷. همدستی پس از وضعیت آغازین می‌آیند و در حکم مقدمه‌ای برای ورود به بخش فاجعه یا گره‌پیچ

داستان هستند. این عناصر جای ثابتی ندارند و ممکن است در بخش‌های میانی و پایانی قصه‌ها نیز ظاهر شوند.

خویشکاری‌های بعد از بخش مقدماتی به ترتیب عبارت‌اند از: ۸. شرارت / کمبود (a/A)؛ ۹. میانجیگری یا گسیل داشتن (B)؛ ۱۰. مقابله آغازین (C)؛ ۱۱. عزیمت قهرمان (↑)؛ ۱۲. دیدار با بخشنده (D)؛ ۱۳. واکنش قهرمان (E)؛ ۱۴. تدارک یا دریافت شیء جادو (F)؛ ۱۵. انتقال مکانی، راهنمایی (G)؛ ۱۶. کشمکش (H)؛ ۱۷. داغ کردن، نشان گذاشتن (J)؛ ۱۸. پیروزی (I)؛ ۱۹. کارسازی مصیبت یا کمبود (K)؛ ۲۰. بازگشت (↓)؛ ۲۱. تعقیب (Pr)؛ ۲۲. رهایی (Rs)؛ ۲۳. رسیدن به ناشناختگی (O)؛ ۲۴. ادعاهای دروغین (L)؛ ۲۵. کار دشوار (M)؛ ۲۶. انجام کار دشوار (N)؛ ۲۷. بازشناختن (Q)؛ ۲۸. رسوایی (Ex)؛ ۲۹. تغییر شکل (T)؛ ۳۰. مجازات (U)؛ ۳۱. عروسی (W).

علاوه بر این‌ها، عناصر دیگری نیز در قصه‌ها حضور دارند که خویشکاری محسوب نمی‌شوند؛ اما نقش مهمی در پیوند دادن سازه‌های اصلی روایت دارند و در جذابیت و تنوع ظاهری قصه‌ها بسیار مؤثرند. عنصر پیونددهنده، پیونددهنده‌های سه‌گان‌شده و انگیزش از آن جمله‌اند (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۵۳).

پراپ با توجه به بسط قصه براساس جفت خویشکاری‌های «کشمکش با شریر (H) / پیروزی قهرمان (I)» و «مأموریت و کار دشوار (M) / انجام آن (N)»، چهار رده قصه را شناسایی کرده است که عبارت‌اند از:

۱. قصه‌هایی که دربردارنده جفت خویشکاری (H-I) هستند و نیز مواردی که در آن‌ها شریر، بدون هیچ جنگی کشته می‌شود.
۲. قصه‌هایی که دربردارنده جفت خویشکاری (M-N) هستند.
۳. قصه‌هایی که دربردارنده هر دو جفت خویشکاری (H-I) و (M-N) هستند.
۴. قصه‌هایی که هیچ‌کدام از این دو جفت خویشکاری در آن‌ها نیامده است (پراپ، ۱۳۷۱: ۶۲-۶۳).

لازم است ذکر شود که هیچ‌کدام از این قصه‌ها ساختمان خاصی را عرضه نمی‌کنند و فقط با توجه به حضور یا عدم حضور جفت خویشکاری‌های مورد بحث، شیوه بسط و گسترش آن‌ها تغییر می‌یابد (پراپ، ۱۳۸۶: ۲۰۴-۲۰۷).

۳-۶. حوزه‌های عملیات

پراپ پس از بررسی قصه‌های پریان در زبان روسی، به این نتیجه رسید که بیشتر خویشکاری‌ها (خویشکاری‌های پس از بخش مقدماتی) در حوزه‌های عملیاتی خاصی قرار می‌گیرند و در بیشتر مواقع «با انجام‌دهندگان متناظر خود مطابقت دارند» (همان، ۱۶۱). وی هفت حوزه عملیات را به‌اثبات رساند که عبارت‌اند از: ۱. حوزه عملیات قهرمان؛ ۲. حوزه عملیات شریر؛ ۳. حوزه عملیات بخشنده؛ ۴. حوزه عملیات یاریگر؛ ۵. حوزه عملیات شاهزاده‌خانم (شخص مورد جست‌وجو) و پدرش؛ ۶. حوزه عملیات گسیل‌دارنده؛ ۷. حوزه عملیات قهرمان دروغین (همان، ۱۶۱-۱۶۳). لازم است به این نکته توجه شود که یک شخصیت می‌تواند در بیشتر از یک حوزه عملیات فعال باشد؛ همچنین، یک حوزه ممکن است میدان فعالیت چند شخصیت باشد.

۴-۶. حرکت

هر روایتی ممکن است از یک یا چند حرکت تشکیل شود. پراپ حرکت را در قصه‌های پریان «بسط و تطوری می‌داند که از شرارت یا کمبود و نیاز شروع می‌شود و با گذشت از خویشکاری‌های میانجی به ازدواج یا به خویشکاری‌های دیگری که به‌عنوان سرانجام و خاتمه قصه به‌کار گرفته شده است، می‌انجامد» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

حرکت‌ها با تعادل حکایت‌ها نیز در پیوند هستند؛ زیرا تعادل حکایت‌ها با رخ دادن اتفاق یا مشکلی به‌هم می‌خورد که در ادامه حکایت، ممکن است دوباره تعادل اولیه برقرار شود یا به همان صورت، حکایت به‌پایان برسد و این به‌هم خوردن تعادل می‌تواند نقطه آغازی برای حرکتی دیگر باشد (پارسا و صلواتی، ۱۳۸۹: ۵۳).

البته، در قصه‌های پریان، معمولاً قهرمان با یاری یاریگران فرانسانی یا توانایی‌های خارق‌العاده خویش تعادل اولیه را برقرار می‌کند یا وضعیتی بهتر از آن را به‌وجود می‌آورد.

آنچه بر دقت کار ولادیمیر پراپ افزوده، توجه وی به ترکیب حرکت‌های احتمالی موجود در قصه‌هاست. وی قبل از تحلیل قصه‌ها، معین کردن تعداد حرکت‌ها را ضروری می‌شمارد (همان، ۱۸۴)؛ در غیر این صورت، خطی طولانی از خویشکاری‌های تکراری به‌دست می‌آید که به نتایج ریخت‌شناختی نادرستی منجر می‌شود. لازم است به

این نکته توجه شود که برخی متن‌ها قصه‌های مستقل دیگری را در خود جای داده‌اند که نباید با قصه‌های چندحرکتی اشتباه گرفته شوند.

۷. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، داده‌های حاصل از تجزیه ساختاری ۱۵۵ قصه، تحلیل و بررسی می‌شود. با توجه به محدودیت مقاله، دو نمونه از قصه‌ها نمود متنی یافته و اطلاعات مربوط به بقیه آن‌ها به صورت آمار و ارقام ارائه شده است.

روش کار در دو قصه مذکور به این صورت است که ابتدا جملات دربردارنده عناصر و خویشکاری‌ها از متن قصه‌ها استخراج و با شماره مشخص شده؛ سپس تعاریف اختصاری خویشکاری‌ها نشانه‌ها، وضعیت آغازین، شخصیت‌ها، ترکیب حرکتی و نمودگار هر قصه در جدولی جداگانه ارائه گردیده است.

در این جدول‌ها، شماره‌ها و نشانه‌هایی آمده که لازم است توضیح داده شوند:

- علامت ستاره (*): نشان می‌دهد که عنصر مورد نظر، خویشکاری است.
- اعداد فارسی سمت راست نشانه‌ها: این اعداد شکل‌های مختلف هریک از خویشکاری‌های ۳۱ گانه پراپ را نشان می‌دهند (ر.ک: پراپ، ۱۳۸۶: ۶۸-۱۳۲ و ۲۷۱-۲۷۸).

- علامت مربع (#): این علامت به شکل‌های خاصی از خویشکاری‌ها اشاره دارد که در پژوهش پراپ به آن‌ها اشاره نشده است؛ اما در قصه‌های کردی بسامد زیادی دارند.

تجزیه ساختاری قصه شماره ۳۹ به این شرح است (ر.ک: جمال، ۲۰۰۷: ۳۷-۶۹):

۱. در قلعه «نسی» پادشاهی مقتدر و ثروتمند حکومت می‌کرد. او دو همسر داشت که از اولی دو پسر به نام‌های پیروت و بهرام و از دومی پسری به نام اژدر داشت. ۲. پادشاه خواست برای پسرانش زن بگیرد. به آن‌ها گفت: «هرکدام تیری از بام قصر پرتاب کنید و همسر خود را برگزینید». پیروت و بهرام تیرهایشان را در حیاط خانه وزرای دست راست و چپ انداختند و با دختران آن‌ها ازدواج کردند. ۳. اژدر تیرش را به خارج از قصر انداخت. ۴. تیر داخل توده سنگی افتاد. سنگ‌ها را کنار زد و دید میمون ماده‌ای زیر آن است؛ ۵. اژدر با خود گفت: «حالا که این ماده میمون قسمت من شده، به آن

راضیم». آن را به خانه برد و در صندوقی گذاشت. ۶. ماجرا را با مادرش در میان گذاشت. وقتی در صندوق را باز کردند، دیدند دختری بسیار زیبا (دختر شاه پریان) در آن است. ۷. اژدر با پری عروسی کرد. ۸. مادر اژدر ناخواسته پوست میمون را در آتش انداخت و سوزاند. پری به کبوتری تبدیل شد و به سوی سرزمین پریان پرواز کرد. ۹. اژدر سراغ همسرش را گرفت. مادرش ماجرا را تعریف کرد. ۱۰. اژدر تصمیم گرفت به دنبال پری برود. ۱۱. مادرش او را از این کار بازداشت. ۱۲. اژدر نپذیرفت. ۱۳. به راه افتاد. ۱۴. در راه سه دیو را می‌بیند که بر سر سه شیء جادویی با هم دعوا می‌کنند. پیشنهاد می‌دهد اشیاء را میانشان تقسیم کند. ۱۵. اژدر سه تیر را به اطراف پرتاب می‌کند و می‌گوید هرکه زودتر تیر را بیاورد شیء جادو مال اوست. ۱۶. با این ترفند هر سه شیء را که عبارت‌اند از: کیسه جادویی، افسون پیرپیران و کلاه جن دروغین به دست می‌آورد. ۱۷. اژدر افسون پیرپیران را خواند؛ اسب پرنده ظاهر شد و او را به سرزمین پادشاه پریان برد. ۱۸. در جنگلی ترسناک فرود آمد. پیرمردی گاوچران را دید. پیرمرد او را راهنمایی کرد و گفت: «از این راه می‌روی تا به غار دیوان می‌رسی. در آنجا ماده دیوی خوابیده که مادر هفت دیو است، برو و شیر پستان راستش را بخور و...». ۱۹. اژدر طبق راهنمایی پیرمرد عمل کرد و ماده دیو او را در مقابل پسرهایش محافظت کرد. ماده دیو دلیل آمدن او به آن سرزمین را پرسید. ۲۰. اژدر داستان زندگی خود را توضیح داد و از او کمک خواست. ۲۱. ماده دیو بچه‌هایش را برای کمک به اژدر ترغیب کرد. ۲۲. اژدر و پسر بزرگ ماده دیو، یعنی دیو چلاغ، با خواندن افسون پیرپیران و با کمک اسب پرنده به سرحد سرزمین پریان رسیدند. ۲۳. دیو چلاغ خواسته اژدر را مطرح کرد. پادشاه پریان گفت: «چهار خواسته دارم اگر آن‌ها را برآورده سازی زنت را برمی‌گردانم و اگر نه گردنش را می‌زنم». ۲۴. اژدر خواسته اول را که غیب شدن از چشم پریان بود، با استفاده از کلاه جن دروغین برآورده ساخت. ۲۵. پادشاه پریان داستان ترکه جادویی را از او خواست. ۲۶. اژدر پس از کشف راز پادشاه جادوگران، با استفاده از کلاه جن دروغین گریخت و پیش پادشاه پریان برگشت. ۲۷. پادشاه پریان گفت: «قصه کور روی پل را برایم بیاور»؛ ۲۸. وی موفق به انجام این کار نیز شد. ۲۹ و ۳۰. اژدر شرط چهارم را هم که تشخیص زن خود از میان چهل دختر پادشاه پریان بود، با کمک همسرش به انجام رساند. ۳۱. پادشاه پریان اجازه داد پری را

با خود ببرد؛ ۳۲. اژدر و پری به قلعه «نسی» برگشتند. ۳۳. و به خوبی و خوشی زندگی کردند.

جدول ۱. ریخت‌شناسی قصه شماره ۳۹

شماره	نشانه	عناصر	خوشکاری	شماره	نشانه	عناصر	خوشکاری
۱	α	وضعیت آغازین	*	۲	γ^v	نهی یا دستور	*
۳	δ^1	نقض نهی یا دستور	*	۴	d^v	دیدار با بخشنده	*
۵	E^v	واکنش قهرمان	*	۶	F^1	دریافت عامل جادویی	*
۷	W^*	ازدواج	*	۸	A^v	شرارت	*
۹	B^t	میانجیگری	*	۱۰	C	مقابله آغازین	*
۱۱	γ^1	نهی یا دستور	*	۱۲	δ^1	نقض نهی یا دستور	*
۱۳	\uparrow	عزیمت	*	۱۴	d^1	دیدار با بخشنده	*
۱۵	E^{vi}	واکنش قهرمان	*	۱۶	F^{\wedge}	دریافت عامل جادویی	*
۱۷	G^1	انتقال مکانی	*	۱۸	F^{\wedge}_q	دریافت عامل جادویی	*
۱۹	D^t	دیدار با بخشنده	*	۲۰	E^t	واکنش قهرمان	*
۲۱	F^{\wedge}	دریافت عامل جادویی	*	۲۲	G^1	انتقال مکانی	*
۲۳	M	کار دشوار	*	۲۴	N	انجام کار دشوار	*
۲۵	M	کار دشوار	*	۲۶	N	انجام کار دشوار	*
۲۷	M	کار دشوار	*	۲۸	N	انجام کار دشوار	*
۲۹	M	کار دشوار	*	۳۰	N	انجام کار دشوار	*
۳۱	K^t	کارسازی مصیبت	*	۳۲	\downarrow	بازگشت	*
۳۳	W^t	ازدواج، پادشاهی	*				
وضعیت آغازین		تعیین مکان، رفاه و بهزیستی، ترکیب خانواده و معرفی قهرمان					
شخصیت‌ها		قهرمان: اژدر؛ شریر: مادر؛ بخشنده: دیوها، پیرمرد؛ شاهزاده‌خانم: دختر شاه پریان؛ یاریگر: کلاه جن دروغین، افسون پیر پریان، اسب پرنده.					
ترکیب حرکتی		1. α <u>W^t</u>					
نمودگار		1. $\alpha \gamma^v \delta^1 d^v E^v F^1 W^* A^v B^t C \gamma^1 \delta^1 \uparrow d^1 E^{vi} F^{\wedge} G^1 F^{\wedge}_q D^t E^1 F^{\wedge} G^1 MNK^t \downarrow W^t$					

تجزیه ساختاری قصه شماره ۷۹ به این شرح است (ر.ک: سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۷):

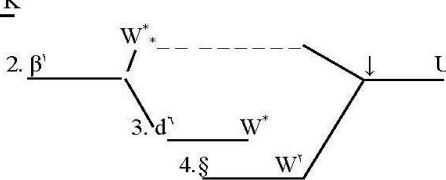
۱ و ۲. پیرمرد فقیری بود که روزها به بیابان می‌رفت و مقداری هیزم جمع‌آوری می‌کرد و با پول آن نان و خوراک زن و بچه‌هایش، سعد و سعید، را فراهم می‌آورد. ۳. روزی پیرمرد در بیابان پرنده‌ای را گرفت و به خانه برد. هرکس این پرنده را نزد خود نگه می‌داشت، ثروتمند می‌شد و اگر سر پرنده را می‌خورد، پادشاه شهر می‌شد. ۴. در مدت کوتاهی، پیرمرد به ثروت زیادی دست یافت. ۵. پیرمرد به حج رفت. ۶. در همسایگی پیرمرد، جهودی زندگی می‌کرد. وقتی دید پیرمرد به حج رفته است، با زن او سر و سرّی پیدا کرد. جهود به زن پیرمرد گفت: «اگر من را دوست داری، باید این پرنده را برایم درسته کباب کنی و روی پلو بگذاری که بخورم». ۷. زن رفت پرنده را ذبح کرد و آماده کرد که جهود بیاید و آن را بخورد. ۸. در این موقع سر و کله بچه‌ها پیدا شد. آن‌ها دیدند که مادرشان پرنده را سرخ کرده و روی سینی گذاشته است. سعید سر پرنده را خورد و سعد هم پا و خارپای آن را. ۹. در کندوی آرد خود را قایم کردند تا ببینند مادرشان این شام لذیذ را برای چه کسی تهیه کرده است. ۱۰. پس از چند لحظه مادرشان وارد خانه شد؛ سپس جهود آمد. ۱۱. جهود دید که سر و خارپای پرنده نیست. پرسید: «این را چه کسی خورده است؟». ۱۲. زن گفت: «حتماً کار سعد و سعید است». ۱۳. جهود گفت: «باید آن‌ها را بکشی و سر و خارپای پرنده را از شکمشان بیرون بیاوری و به من بدهی». ۱۴. سعد و سعید مقداری غذا در دستمال پیچیدند و با هم از شهر خارج شدند. ۱۵. سعد بر روی بازوی سعید نوشت «سعید» و سعید هم بر روی بازوی وی نوشت «سعد» تا در آینده همدیگر را با این نشانه‌ها پیدا کنند. ۱۶. سر دوراهی از هم جدا شدند. سعید از راه «آمد» و سعد از راه «نیامد» رفت. ۱۷. سعید در راه خود، به شهری رسید. ۱۸. دید که پادشاه شهر فوت کرده و بازی را به هوا انداخته‌اند و قرار است باز بر سر هر کسی بنشینند، پادشاه شهر شود. باز آمد و بر سر سعید نشست. سعید پادشاه شد و دختر پادشاه را هم به عقد او درآوردند. ۱۹. سعد از راه «نیامد» رفت. بعد از مدتی دید که دو نفر بر سر کلاه صخره‌جن و قالیچه با همدیگر دعوا می‌کنند. سعد گفت: «صبر کنید من داوری می‌کنم». ۲۰. سعد دو تیر را به دو سو پرتاب کرد. هر دو به دنبال تیرها رفتند. ۲۱. سعد کلاه صخره‌جن را بر سر

خود گذاشت و روی قالیچه نشست. ۲۲ و ۲۳. ناگهان خود را در قصر «مینجایی» دید. ۲۴. چشمش به خیمه‌های رنگارنگی افتاد. پرسید: «این خیمه‌های رنگارنگ چیست؟». ۲۵ و ۲۶. به او گفتند: «این خیمه‌ها متعلق به عاشقان منیژه است». ۲۷. سعد چادری آورد و در ردیف چادرهای دیگر برپا کرد. ۲۸. هنگام نهار با استفاده از قالیچه و کلاه صخره‌جن وارد اتاق منیژه شد؛ همه غذاها را خورد و حسابی او را ترساند. ۲۹. منیژه فریاد زد: «تو کی هستی، خودت را آشکار کن». سعد خود را ظاهر کرد و گفت: «من انسانم و نامم هم سعد است». ۳۰. منیژه خود را به عقد سعد درآورد. ۳۱. روزی بالای قصر رفتند. سعد گفت: «بیا سر این قالیچه بنشین تا کمی گردش کنیم». ۳۲. هر دو سوار قالیچه شدند. سعد به قالیچه گفت: «برو به میان هفت دریا». ۳۳. به سیر و سیاحت پرداختند. سعد خسته شده بود و خوابش برد. ۳۴. منیژه خارپای مرغ را از زیر بغل سعد درآورد و آن را خورد. سوار قالیچه شد و گفت: «به نیت رفتن به قصر خودم». ۳۵. سعد وقتی بیدار شد، کسی را در اطراف خود ندید و فهمید که منیژه چه بر سرش آورده است. ۳۶. سعد کنار درخت بیدی نشسته بود که دسته‌ای از پریان دریایی سر رسیدند. پریان گفتند: «این هم یکی از عاشقان منیژه است که اینجا افتاده». حالا ما چند چوب بید برایش می‌فرستیم؛ می‌تواند سوار آن‌ها شده و خود را به قصر منیژه برساند. البته این شاخه‌ها را به هر کسی بزنی تبدیل به الاغ می‌شود. ۳۷. سعد سوار بیدها شد و خود را به شهر منیژه رساند. ۳۸. سعد به قصر منیژه رفت و با ترکه بید منیژه و همه عاشقان او را به الاغ تبدیل کرد. ۳۹. منیژه خارپای مرغ را به او پس داد. ۴۰. ترکه بیدی به او زد؛ دوباره به شکل و قیافه سابق درآمد. ترکه بیدی هم به عاشقان زد؛ همه دوباره به حالت اول برگشتند و بلافاصله آنجا را ترک کردند. ۴۱. آن‌ها برای همیشه به خوشی با هم زندگی کردند. ۴۲. سعد و منیژه روی قالیچه نشستند و به قصر سعید رفتند. ۴۳. به‌عنوان مهمان وارد قصر سعید شدند. ۴۴. آن‌ها وقتی آستین خود را بالا زدند تا دستشان را بشویند، نام خود را دیدند و همدیگر را بازشناختند. ۴۵ و ۴۶. چند روز بعد سعد به سعید گفت: «برویم سری به پدرمان بزیم». در کسوت درویشان و با استفاده از قالیچه به خانه پدری برگشتند. ۴۷. پدرشان گفت: «ای جوانان! از وقتی شما به اینجا آمده‌اید، چشمانم بینا شده‌اند». ۴۸. سعد و

سعید خود را بر او آشکار کردند. ۴۹. پسران از پدرشان خواستند که ماجرای خود را برای آنان تعریف کند. پدر پیر سرگذشت خود را برای آنان تعریف کرد. ۵۰. سعد و سعید همان‌جا جهود را به قتل رساندند و مادرشان را در وسط تلی از هیزم به آتش کشیدند.

جدول ۲. ریخت‌شناسی قصه شماره ۷۹

شماره	نشانه	عناصر	نویسه‌نگاری	تعداد	نویسه	عناصر	نویسه‌نگاری
۱	α	وضعیت آغازین	*	۲	a^0	کمبود و نیاز	*
۳	F^t	دریافت عامل جادویی	*	۴	K^{-1}	کارسازی مصیبت	*
۵	β^1	غیبت	*	۶	η^1	فریبکاری	*
۷	θ^1	همدستی	*	۸	F^v	دریافت عامل جادویی	*
۹	ε^1	خبرگیری	*	۱۰	ζ^2	خبردهی	*
۱۱	ε^1	خبرگیری	*	۱۲	ζ^1	خبردهی	*
۱۳	A^{1r}	شرارت	*	۱۴	\uparrow	عزیمت	*
۱۵	$J^{\#}$	نشان کردن	*	۱۶	$<$	جدا شدن در دو راهی	
۱۷	G^0	انتقال مکانی	*	۱۸	W^*	ازدواج، پادشاهی	*
۱۹	d^1	دیدار با بخشنده	*	۲۰	E^{vi}	واکنش قهرمان	*
۲۱	F^h	دریافت عامل جادویی	*	۲۲	G^1	انتقال مکانی	*
۲۳	O	ناشناخته رسیدن	*	۲۴	ε^2	خبرگیری	*
۲۵	ζ^1	خبردهی	*	۲۶	a^1	کمبود و نیاز	*
۲۷	C	مقابله آغازین	*	۲۸	$*N$	انجام کار دشوار	*
۲۹	Q	شناخته شدن	*	۳۰	W^*	ازدواج	*
۳۱	\S	رابط دهنده		۳۲	β^2	غیبت	*
۳۳	θ	همدستی	*	۳۴	A^1	شرارت	*
۳۵	B^t	میانگیری	*	۳۶	F^1	دریافت عامل جادویی	*
۳۷	G^1	انتقال مکانی	*	۳۸	U	مجازات	*
۳۹	K^1	کارسازی مصیبت	*	۴۰	U_{ne}	مجازات	*
۴۱	W^v	ازدواج	*	۴۲	\downarrow	بازگشت	*
۴۳	O	ناشناخته رسیدن	*	۴۴	Q	شناخته شدن	*
۴۵	\downarrow	بازگشت	*	۴۶	O	ناشناخته رسیدن	*
۴۷	K^1	کارسازی مصیبت	*	۴۸	Q	شناخته شدن	*
۴۹	Ex	رسوایی	*	۵۰	U	مجازات	*

وضعیت آغازین	توضیحاتی در رابطه با ترکیب خانواده قهرمانان
شخصیت‌ها	حرکت ۱. قهرمان: میزم فروش؛ بخشنده و یاریگر: پرنده. حرکت ۲. قهرمانان: سعد و سعید؛ شریر: جهود، مادر. حرکت ۳. قهرمان: سعد؛ شاهزاده‌خانم: منیژه؛ بخشنده: مشاجرہ‌کنندگان؛ یاریگر: کلاه صخره‌جن و قالیچه. حرکت ۴. قهرمان: سعد؛ شریر: منیژه؛ شاهزاده‌خانم: منیژه؛ بخشنده: پریان؛ یاریگر: ترکه بید.
ترکیب حرکتی	1. $\alpha \underline{K}^{\wedge}$ 
نمودگار	1. $\alpha a^{\wedge} F^{\wedge} K^{\wedge}$ 2. $\beta^l \eta^l \theta^l F^{\vee} \varepsilon^l \zeta^l \varepsilon^l A^{1r} \uparrow J^{\#} < G^{\circ} W^* \downarrow O Q \downarrow O K^{\wedge} Q Ex U$ 3. $d^l E^{\vee} F^{\wedge} G^l O \varepsilon^l a^l C^* N Q W^*$ 4. $\xi \beta^r \theta A^l B^{\wedge} F^{\wedge}, G^l U K^l U_{neg} W^l$

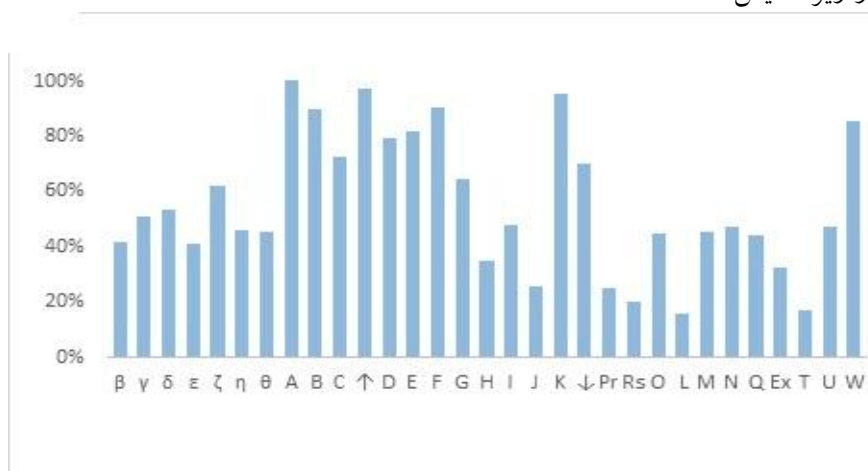
۱-۷. وضعیت آغازین قصه‌های کردی

گونه‌های مختلف وضعیت آغازین در قصه‌های بررسی‌شده عبارت‌اند از: ترکیب خانواده قهرمان (۷۷ قصه)، معرفی قهرمان آینده (۵۵ قصه)، تعیین زمان و مکان (۴۳ قصه)، تولد معجزه‌آسای قهرمان (۱۸ قصه)، رفاه و بهزیستی (۱۷ قصه)، بی‌فرزندگی (۱۴ قصه)، معرفی شریر و قهرمان دروغین (۱۴ قصه) و پیشگویی و ازپیش زنه‌ار دادن (۱۱ قصه). وضعیت آغازین برخی قصه‌ها ترکیبی از چند گونه مختلف است. لازم است ذکر شود که شکل تولد معجزه‌آسا در قصه‌های بررسی‌شده اغلب با سببی تحقق می‌یابد که درویشی دوره‌گرد به پدر و مادر قهرمان تقدیم می‌کند.

۲-۷. خویشکاری‌های قصه‌های کردی

پس از بررسی خویشکاری‌های ۱۵۵ قصه پریان در زبان کردی مشخص شد که این قصه‌ها در مجموع، ۳۱ خویشکاری را عرضه می‌کنند که با نمونه‌های پیشنهادی پراپ مطابقت دارند. از این میان، «شرارت» یا «کمبود و نیاز» دارای بیشترین بسامد است و

در همه قصه‌ها و حرکت‌ها دیده می‌شود. این خویشکاری در واقع، عامل اصلی ایجاد حرکت در قصه‌هاست و بدون آن گسترش قصه امکان‌پذیر نیست. در میان این خویشکاری‌ها، «ادعاهای دروغین» دارای کمترین بسامد است. بسامد خویشکاری‌ها در نمودار زیر نمایش داده شده است.



شکل ۱. بسامد خویشکاری‌ها

۱-۲-۷. خویشکاری‌های بخش آغازین قصه‌ها

از ۱۵۵ قصه بررسی شده، ۵۹ قصه با «کمبود و نیاز»، ۲۷ قصه با «شرارت»، ۴۲ قصه با «غیبت»، ۱۴ قصه با «نهی»، ۱۰ قصه با «دیدار با بخشنده»، ۴ قصه با «دریافت عامل جادویی»، ۳ قصه با «فریب‌کاری» و ۲ قصه با «وعده ازدواج» شروع می‌شود.

۲-۲-۷. خویشکاری‌های بخش پایانی قصه‌ها

در قصه‌های مورد بررسی، ۸۵ قصه به «ازدواج، پادشاهی و یا ازسرگیری ازدواج»، ۲۲ قصه به «بازگشت»، ۲۰ قصه به «کارسازی مصیبت»، ۱۸ قصه به «مجازات»، ۷ قصه به «بخشش (مجازات منفی)» و ۳ قصه به «نابودی قهرمان» انجامیده است (قصه‌های شماره ۲۸، ۷۴ و ۹۷). سه قصه اخیر روایت‌های گوناگون یک قصه محسوب می‌شوند که در فهرست آرنه-تامپسون با کد ۶۱۳ مشخص شده‌اند. با توجه به اینکه قهرمان

قصه مذکور فردی نادان است و برخلاف دیگر قصه‌های پریان به موفقیت دست نمی‌یابد، جای دادن آن در زمره قصه‌های پریان صحیح به نظر نمی‌رسد.

۳-۲-۷. بسط قصه‌ها با توجه به حضور یا عدم حضور جفت‌خویشکاری‌های «H-I» و «M-N»

از ۱۵۵ قصه بررسی شده، ۳۳ قصه از رده «H-I»، ۳۲ قصه از رده «M-N» و ۴۰ قصه از رده «M-N / H-I» شناسایی شد. پنجاه قصه نیز بدون حضور این جفت‌خویشکاری‌ها بسط یافته‌اند.

۴-۲-۷. توالی خویشکاری‌ها

بررسی نمودگارهای حاصل از تجزیه قصه‌ها نشان می‌دهد توالی خویشکاری‌ها در برخی از آن‌ها به هم می‌خورد؛ برای مثال، در چند قصه، قهرمان قبل از وقوع شرارت، با بخشنده دیدار می‌کند و عامل جادویی را به دست می‌آورد (قصه‌های شماره ۲۳، ۸۴-۸۵، ۱۰۱ و ۱۱۳). به نظر پراپ، این جابه‌جایی‌ها قانون توالی خویشکاری‌ها را نقض نمی‌کند. وی این حالت را توالی وارون‌شده یا معکوس می‌نامد و می‌نویسد: برخی خویشکاری‌ها از جمله خویشکاری‌های بخش مقدماتی شامل غیبت، نهی، نقض نهی، خبرگیری، خبردهی، فریب‌کاری و همدستی می‌توانند جای خود را تغییر دهند؛ با وجود این، «تمام این انحرافات استنتاج ما را درباره وحدت نوعی (تیپولوژیک) و وحدت ریخت‌شناختی قصه‌های پریان، دیگرگون نمی‌سازند. این‌ها فقط نوسانات هستند، نه نظام ترکیبی و ساختمانی جدیدی و یا محورهای جدیدی» (پراپ، ۱۳۸۶: ۲۱۱-۲۱۲). با توجه به این نظر می‌توان گفت در قصه‌های کردی توالی همسان خویشکاری‌ها حفظ شده است؛ زیرا در بیشتر قصه‌های بررسی‌شده توالی همسان خویشکاری‌ها به چشم می‌خورد.

۷-۲-۵. وجوه افتراق قصه‌های کردی با الگوی پراپ

پراپ (همان، ۵۹) برای هرکدام از انواع خویشکاری‌ها نمونه‌هایی ذکر کرده و ارتباط آن‌ها را با خویشکاری‌های اصلی، مثل ارتباط جنس به نوع دانسته است. جنس‌ها بر اشکال‌های مختلف انجام گرفتن خویشکاری‌ها دلالت دارند و تغییر آن‌ها تأثیری بر ساختار قصه‌ها ندارد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ساختمان اصلی قصه‌های کردی بر همان ۳۱ خویشکاری پیشنهادی پراپ بنا شده؛ اما تفاوت‌هایی در پیوند با این جنس‌ها دیده می‌شود که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

- خویشکاری شرارت: پراپ شکل‌های انجام گرفتن این خویشکاری را بیست مورد ذکر کرده است. در قصه‌های کردی، A^4 (شریر روشنایی روز را می‌دزدد) یافت نشد؛ اما شرارت‌های دیگری نظیر بستن راه آب بر مردم (قصه‌های شماره ۲۲، ۶۳-۶۴ و ۱۳۶) و نیز واداشتن قهرمان قربانی به کارهای سخت (قصه‌های شماره ۲، ۶۵ و ۹۶) مشاهده شد.

- خویشکاری دیدار با بخشنده: در قصه‌های کردی، شکلی از این دیدار در خواب صورت می‌گیرد؛ به این صورت که معمولاً خضر به خواب قهرمان می‌آید و راه دفع شرارت یا رفع مصیبت را یادآور می‌شود (قصه‌های شماره ۱۸، ۲۱، ۴۷ و ۱۲۲).

- خویشکاری کشمکش و پیروزی: در قصه‌های مورد بررسی، $H^3 I^3$ (ورق‌بازی و بردن در بازی ورق) و $H^4 I^4$ (مسابقه وزن‌کشی و برنده شدن قهرمان) دیده نشد.

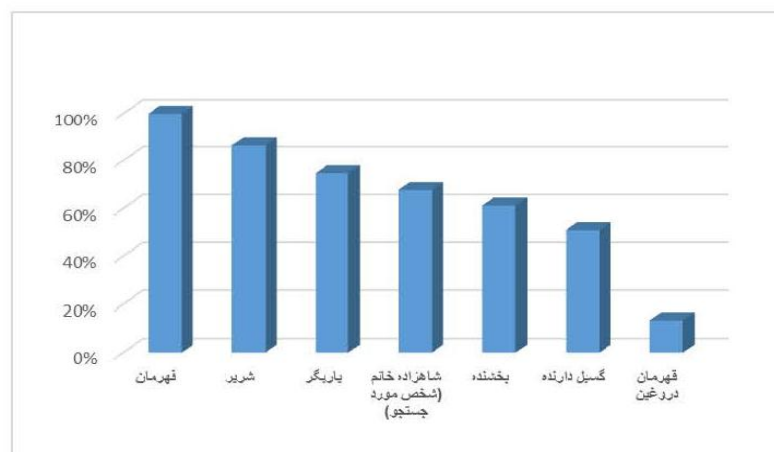
- خویشکاری داغ کردن یا نشان گذاشتن: در الگوی پراپ، دو شکل J^1 (نشان گذاشتن بر بدن قهرمان) و J^2 (دریافت انگشتری یا دستمال) ذکر شده است. این خویشکاری مربوط به حوزه عملیات شاهزاده‌خانم و پدرش است و هدف از آن، شناسایی قهرمان واقعی است. در قصه‌های کردی، جدای از این‌ها، دو شکل دیگر نیز وجود دارد که هر دو مربوط به حوزه عملیات قهرمان است. این دو شکل عبارت‌اند از: ۱. قهرمان گوش، بینی و لب شریر یا موجود متخاصم را می‌برد و به جای مدرک پیش خود نگه می‌دارد (قصه‌های شماره ۳، ۱۰، ۵۳، ۷۸ و...). ۲. قهرمان بر بدن قهرمان دروغین داغ یا مهر خود را می‌زند و در پایان داستان به همین وسیله خود را اثبات و قهرمان دروغین را رسوا می‌کند (قصه‌های شماره ۱۴ و ۱۱۱).

- خویشکاری ناشناخته رسیدن: پراب در الگوی خود، برای این خویشکاری زیرمجموعه‌ای در نظر نگرفته است؛ اما در قصه‌های کردی، نمونه‌های زیادی وجود دارد که «ناشناخته رسیدن» به این صورت اتفاق می‌افتد که معمولاً قهرمان سر خود را با پوست بز یا گوسفند می‌پوشاند و خود را به صورت کچل درمی‌آورد (قصه‌های شماره ۱۳، ۱۸، ۵۰، ۷۶، ۱۰۳ و...). این تغییر قیافه دادن قهرمان خویشکاری «تغییر شکل» شمرده نمی‌شود.

این اختلافات در دیگر خویشکاری‌ها نیز دیده می‌شود؛ اما با توجه به اینکه این وجوه افتراق ساختار جدیدی را پدید نمی‌آورد، از ذکر بقیه آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم.

۳-۷. حوزه‌های عملیات

خویشکاری‌های قصه‌های کردی را کنشگران هفت حوزه عملیات برعهده دارند. از میان این کنشگران، «قهرمان» با حضور در همه قصه‌ها بیشترین بسامد و «قهرمان دروغین» با حضور در ۲۱ قصه کمترین بسامد را دارد. بسامد حضور دیگر کنشگران به این صورت است: شیر در ۱۳۴ قصه، یاریگر در ۱۱۶ قصه، شاهزاده خاتم (شخص مورد جستجو) در ۷۹ مورد جست‌وجو در ۱۰۵ قصه، بخشنده در ۹۵ قصه و گسیل‌دارنده یا میانجیگر در ۷۹ قصه.



شکل ۲. بسامد شخصیت‌ها

۴-۷. ترکیب حرکتی قصه‌ها

در این پژوهش، ۱۵۵ قصه مورد بررسی متشکل از ۳۵۵ حرکت است. از مجموع این قصه‌ها، چهل مورد یک‌حرکتی و بقیه چندحرکتی هستند. پس از بررسی و مقایسه قصه‌های چندحرکتی، هجده گونه حرکتی تعیین شد. در این قسمت، چند حرکت پربسامد به همراه نمودار آن‌ها معرفی می‌شود. در نمودارها، حروف A و W بیانگر شروع و پایان حرکت‌هاست.

۱-۴-۷. قصه‌های دوحرکتی

الف. ساده: ترکیب حرکتی ۳۵ قصه به این صورت است. در این قصه‌ها، دو حرکت به دنبال هم می‌آیند.

1. A _____ W 2. A _____ W

ب. پیچیده: ترکیب حرکتی ۲۶ قصه به این شکل است. در این قصه‌ها، حرکت دوم در وسط حرکت اول قرار می‌گیرد.

1. A _____ W
2. A _____ W

۲-۴-۷. قصه‌های سه حرکتی

الف. ساده: ترکیب حرکتی نه قصه به این صورت است. در این قصه‌ها، سه حرکت به ترتیب در پی هم می‌آیند.

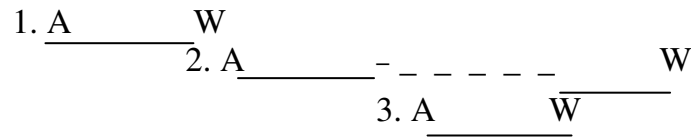
1. A _____ W 2. A _____ W 3. A _____ W

ب. پیچیده:

گونه اول: ترکیب حرکتی هفت قصه به این صورت است. در این قصه‌ها، قبل از پایان حرکت اول، دو حرکت دیگر به دنبال هم می‌آید.

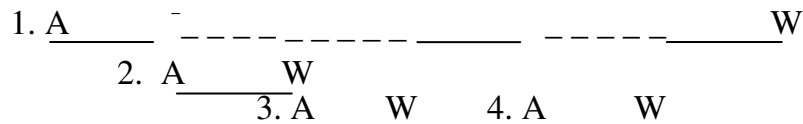
1. A _____ W
2. A _____ W 3. A _____ W

گونه دوم: ترکیب حرکتی هشت قصه به این صورت است. در این قصه‌ها، پس از پایان حرکت اول، حرکت دوم شروع می‌شود و قبل از پایان آن، حرکت سوم اضافه می‌شود.

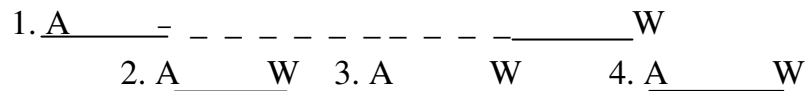
**۳-۴-۷. قصه‌های چهار حرکتی**

این قصه‌ها ترکیب ساده ندارند.

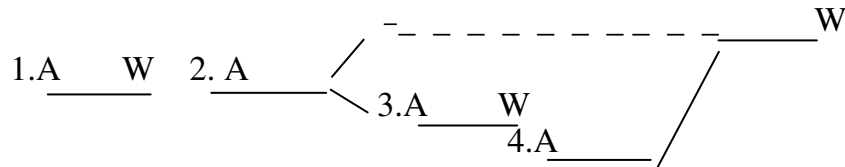
گونه اول: ترکیب حرکتی چهار قصه به این شکل است. در این قصه‌ها، قبل از پایان حرکت اول، دو حرکت جدید در پی هم می‌آیند؛ سپس حرکت اول ادامه می‌یابد و قبل از پایان یافتن آن، حرکت چهارم نیز اضافه می‌شود.



گونه دوم: ترکیب حرکتی شش قصه به این صورت است. در این قصه‌ها، دو حرکت جدید در وسط حرکت اول قرار می‌گیرد و پس از پایان حرکت اول، حرکت چهارم اضافه می‌گردد.



گونه سوم: ترکیب حرکتی چهار قصه به این شکل است. در این قصه‌ها، دو قهرمان حضور دارند که پس از پایان حرکت اول و در میانه حرکت دوم، از هم جدا می‌شوند. قبل از پایان حرکت دوم، حرکت سوم می‌آید و پس از آن حرکت چهارم اضافه می‌شود. قهرمانان در بخش پایانی قصه به هم می‌رسند و به این ترتیب، حرکت‌های دوم و چهارم با هم پایان می‌یابد.

**۴-۴-۷. قصه‌های پنج حرکتی**

دو شکل پیچیده دارند.

پیوست

جدول ۳. اطلاعات مربوط به قصه‌های بررسی شده

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۱	خاکمار	کردستان عراق، اربیل	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	ابراهیم حسن (۲۰۰۸)
۲	دنکه هناره	کردستان عراق، سیدصادق	"	"
۳	خاکمال	کردستان عراق، رانیه / قلادزه	"	احمد (۲۰۰۴)
۴	احمدپاشا	کردستان عراق، قلادزه	"	احمد (۲۰۰۸)
۵	سه برادر عاقل	کردستان عراق، رانیه	"	احمد (۲۰۱۲)
۶	هیزم فروش	کردستان عراق، کویه	"	"
۷	احمدوکه	کردستان عراق، اربیل	"	اسماعیل شیخانی (۱۹۸۷)
۸	تخم مرغ نامی و سور چاوشین	"	"	"
۹	جهانگیر	"	"	"
۱۰	آسکه و بروسکه	کردستان ایران، سنندج	فارسی	امانی (۱۳۸۷)
۱۱	برخوله برخان	"	"	"
۱۲	بهمن شیرزاد	"	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۱۳	قلعه پولادی	"	"	"
۱۴	ملک - جمشید، پسر غازچران	"	"	"
۱۵	پسر کاکه رشه	"	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	برزنجی (۲۰۰۷)
۱۶	رضوان‌شاه و بهمن‌شاه	"	"	"
۱۷	عقل و هوش	"	"	"
۱۸	مادیان سفید بحری	"	"	"
۱۹	ملک احمد، ملک جمشید و ملک محمد (۱)	"	"	"
۲۰	احمدپاشا و اژدها	کردستان عراق، منطقه پشدر	"	بکره‌جویی (۲۰۰۸)
۲۱	پادشاه اجاق‌کور	"	"	"
۲۲	پادشاه نابینا و پرنده هزاره	کردستان عراق	"	تقی (۱۹۸۴)
۲۳	پسرک کچل	"	"	"
۲۴	تیغ‌شناس	"	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۲۵	زنگ شقله‌باز	"	"	"
۲۶	شکار کوه سیاه	"	"	"
۲۷	هیپوش	"	"	"
۲۸	بدبخت بی مغز	"	"	تقی (۲۰۰۱)
۲۹	دوستی دلسوز	"	"	"
۳۰	افروز پری	ایران، خراسان	فارسی	توحیدی (۱۳۷۹)
۳۱	برادر دیوانه و برادر عاقل	"	"	"
۳۲	بهرام خارکش	"	"	"
۳۳	شاه‌سلطان مار و مهرنگار	"	"	"
۳۴	ممد اوچی و انگشتر سلیمان پیغمبر	ایران، خراسان	"	"
۳۵	روباه و آسیابان	کردستان عراق، منطقه بادینان	کرمانجی شمال (کردی کرمانجی)	جعفر (۲۰۰۷)
۳۶	روباه و بدرخان‌بگ	"	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۳۷	فاتفاتوکه	"	"	"
۳۸	هژیرا زیرا	"	"	"
۳۹	قصه جادویی	کردستان عراق، قلادزه	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	جمال (۲۰۰۷)
۴۰	کوریس	"	"	جمال (۲۰۱۱)
۴۱	ملک ریحان	کردستان عراق، کویه	"	جوتیار (۲۰۰۷)
۴۲	الهی شکر	کردستان ایران، کرمانشاه	کرمانجی جنوب (کردی کلهری)	جهانفرد (۲۰۰۹)
۴۳	خولزای	"	"	"
۴۴	ملک جمشیر	"	"	"
۴۵	پری چهل گیس (۲)	کردستان ایران، منطقه دالاهو	"	جهانفرد (۲۰۱۱)
۴۶	خره! چشم	کردستان ایران، گیلان غرب	"	جهانفرد (۲۰۱۴)
۴۷	گلخندان گل	کردستان ایران، کرمانشاه	"	"
۴۸	دوست خیانتکار	کردستان عراق، دهوک	کرمانجی شمال (کردی کرمانجی)	حاجی بامرنی (۲۰۰۷)
۴۹	دیوپسر و چهل برادر	کردستان عراق، منطقه اورامان، روستای احمدآباد	کردی اورامی	حاجی زلمی (۲۰۱۴)
۵۰	دیو و همسر پادشاه	کردستان عراق، هلبچه	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۵۱	دیو و مرد فقیر	کردستان عراق، منطقه اورامان، روستای احمدآباد	"	"
۵۲	سه برادر و نصیحت ماده‌دیو	کردستان عراق، خورمال	"	"
۵۳	پادشاه هفت‌پسر	کردستان عراق، سلیمانیه/ کرکوک	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	حمه صالح توفیق (۲۰۰۰)
۵۴	حسن شکارچی	"	"	"
۵۵	درخت زی و باز طی	"	"	"
۵۶	درویش و شاهزاده	"	"	"
۵۷	دانایی سه برادر	"	"	"
۵۸	دختر پادشاه و پسر درویش	کردستان ایران، بیستون	فارسی	درویشیان (۱۳۸۶)
۵۹	سعید و مسعود	کردستان ایران، کرمانشاه	"	"
۶۰	گر کچل	"	"	"
۶۱	کلاغ و جفتیار	کردستان ایران، قروه	"	"
۶۲	نخود نخودی	کردستان ایران، کرمانشاه	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۶۳	ملک جمشید ملک محمود و ملک احمد	کردستان ایران، سروآباد	"	رستمی (۱۳۸۷)
۶۴	پسر پادشاه شهر هیهایه	کردستان عراق، کویه	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	رسول (۲۰۰۳)
۶۵	دنکه‌هناره و دوگانه‌چاره	کردستان عراق، سلیمانیه	"	"
۶۶	کدوی روح دیو سپید و برادر کوچک	"	"	"
۶۷	پادشاه و وزیر	ایران، خراسان	فارسی	رودنکو (۱۳۹۰)
۶۸	درویش	ارمنستان	"	"
۶۹	گلبرین	کردستان ترکیه، قارص	"	"
۷۰	محمد و مقدم	ایران، خراسان	"	"
۷۱	میرزامحمود	ارمنستان	"	"
۷۲	میرزامحمود و هزاران بلبل	کردستان ترکیه، قارص	"	"
۷۳	هفت برادران	ایران، خراسان	"	"
۷۴	دادخواهی مرد فقیر از خدا	کردستان ایران، منطقه اورامان	"	زمانی (۱۳۸۹)

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۷۵	هیزم فروش و پرندۀ زرین	"	"	"
۷۶	جام و لنگر	کردستان ایران، مهاباد	"	سلیمی (۱۳۹۰)
۷۷	سور چاوشین	کردستان عراق، سلیمانیه	"	"
۷۸	سه برادر و چهل عروس و داماد	"	"	"
۷۹	قصه سعد و سعید	کردستان عراق، اربیل	"	"
۸۰	قصه احمد کچل	کردستان ایران، مهاباد	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	سلیمی (۱۳۹۱)
۸۱	حکایت کولکه	"	"	"
۸۲	راست و ناراست	"	"	"
۸۳	شجاعت	کردستان ایران، بوکان	"	"
۸۴	مام گورنتله	کردستان ایران، مهاباد	"	"
۸۵	افجی احمد شکارچی	کردستان ترکیه	فارسی	سسیل [جلیل] (۱۳۸۶)
۸۶	بنگار و ازدها	"	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۸۷	شروور و بلول و پرندۀ جادویی	"	"	"
۸۸	فاطمه و کفش بلورین	"	"	"
۸۹	میرزامحمود و دنیاگزل	"	"	"
۹۰	قهرمان و قیتران	کردستان عراق، قَلادزه	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	شادی (۲۰۰۵)
۹۱	تیسکنه	کردستان ایران، منطقه مکریان	"	شاهرخ (۲۰۰۲)
۹۲	سور عیار	"	"	"
۹۳	بلبل شیدا	کردستان ایران، بانه	فارسی	شریفی (۱۳۷۵)
۹۴	عایشه زیبا چشم	کردستان ایران، مهاباد	"	"
۹۵	گسک آشوان	کردستان ایران، دیواندره	"	"
۹۶	ماه‌پیشانی	کردستان ایران، سروآباد، گرآباد	کردی اورامی	صفاری (۱۳۸۲)
۹۷	احمقی که شکایت پیش خدا برد	"	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۹۸	پسرک کچل	کردستان ایران، مهاباد	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	صمدی (۱۳۹۲)
۹۹	سره‌گا	"	"	"
۱۰۰	عبدالله	"	"	"
۱۰۱	کوتک بیکوته	"	"	"
۱۰۲	محمدجان	"	"	"
۱۰۳	میرخونوکه	"	"	"
۱۰۴	هفت خال غریب	"	"	"
۱۰۵	یاقوت زمرد	"	"	"
۱۰۶	اسب چهل‌گیسو	کردستان ایران، ایلام، منطقه هلیلان	فارسی	علیرضایی (۱۳۸۸)
۱۰۷	پری	کردستان ایران، ایلام	"	"
۱۰۸	سوغاتی	کردستان ایران، ایلام، بدره	"	"
۱۰۹	دختر کج‌بخت	"	"	"
۱۱۰	صفدر	کردستان ایران، ایلام، آبدانان	"	"
۱۱۱	قصه‌الماس و شش برادر	"	"	"
۱۱۲	هفت دختر و دیو	کردستان ایران، ایلام، زرین‌آباد	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۱۱۳	احمدپاشا	کردستان عراق، منطقه خوشناوتی	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	عمر خوشناو (۲۰۱۳)
۱۱۴	فاطمه هفت برادر	"	"	"
۱۱۵	فقیر دندان کسک و چهل برادر	"	"	"
۱۱۶	احمدپادشاه	کردستان ایران، بوکان	"	فتوحی و ویسی (۲۰۱۴)
۱۱۷	تک‌فرزند ابراهیم پاشا	"	"	"
۱۱۸	تیمور لنگ	کردستان ایران، اشنویه	"	"
۱۱۹	کریم تنوری	کردستان ایران، بوکان	"	"
۱۲۰	گل و گل صنوبر	کردستان ایران، اشنویه	"	"
۱۲۱	احمد کرتک	کردستان عراق، اربیل	"	گرده‌سوری (۲۰۰۸)
۱۲۲	بهرام پهلوان	"	"	"
۱۲۳	سه برادر	"	"	"
۱۲۴	مرد هیزم‌فروش	"	"	"
۱۲۵	پسرک پیر	کردستان ترکیه	کرمانجی میانه (کردی سورانی) / فارسی	لسکو (۱۳۷۰)

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۱۲۶	قصه کدو	"	"	"
۱۲۷	سلیمان زندگی	"	"	"
۱۲۸	هرزم گلان	"	"	"
۱۲۹	-	کردستان ایران، مهاباد	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	مان (۲۰۱۱)
۱۳۰	دختری که با گوساله ازدواج کرد	کردستان عراق، دهوک	کرمانجی شمال (کردی کرمانجی)	محمد شیلازی (۲۰۰۱)
۱۳۱	دستارک	"	"	"
۱۳۲	آسیاب شیطان	"	"	محمد شیلازی (۲۰۰۵)
۱۳۳	احمد چلبی و روباه	"	"	"
۱۳۴	عروسک گچی	"	"	"
۱۳۵	پادشاه شهر جابلوقا	کردستان عراق، اربیل	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	مخموری (۲۰۱۱)
۱۳۶	پسرک کچل	"	"	"
۱۳۷	سور چاوشین	"	"	"
۱۳۸	طمع	"	"	"
۱۳۹	کاک میرزا و زهرا خاتون	"	"	"
۱۴۰	کله کدو	"	"	مخموری (۲۰۱۳)
۱۴۱	کوه سیاه	"	"	"

شماره قصه	نام قصه	خاستگاه قصه	زبان و گویش منبع	منبع قصه
۱۴۲	ارزن	کردستان ایران، کامیاران	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	ملاصالح (۱۳۷۴)
۱۴۳	پسرک کچل (۲)	"	"	"
۱۴۴	پرنده پادشاه	"	"	"
۱۴۵	تیغ الماس	"	"	"
۱۴۶	حاتم و طی	"	"	"
۱۴۷	دختر مشرق‌زمین	"	"	"
۱۴۸	ملک جمشید و دختر پادشاه	کردستان ایران، سنندج	فارسی	وکیلان (۱۳۷۹)
۱۴۹	هله‌کت به‌کت	کردستان ایران، ایلام	"	"
۱۵۰	بلبل بخت‌برگش ته	کردستان ایران، سنندج	"	وکیلان (۱۳۸۳)
۱۵۱	شاهزاده تیمور	کردستان ایران، بوکان	کرمانجی میانه (کردی سورانی)	ویسی و فتوحی (۱۳۷۹)
۱۵۲	سبزه قبا	کردستان ایران، منطقه کلیایی	فارسی	یاقوتی (۱۳۹۱)
۱۵۳	سیب و سیمرغ	"	"	"
۱۵۴	مادیان چهل کره	کردستان ایران، سنقر	"	"
۱۵۵	میمون و سه خواهر	کردستان ایران، منطقه کلیایی	"	"

منابع

- ابراهیم حسن، مولود (۲۰۰۸). *تیرنه خوره*. کردستان عراق، اربیل: بدرخان.
- احمد، آزارات (۲۰۰۴). *قوتووی عه تار: قوتووی یه که م*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو کهله پووری کورد.
- _____ (۲۰۰۸). *قوتووی عه تار: قوتووی دووهم*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو کهله پووری کورد.
- _____ (۲۰۱۲). *قوتووی عه تار: قوتووی سییه م*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو کهله - پووری کورد.
- اسماعیل شیخانی، سعدالله (۱۹۸۷). *ده قی چند چیروکی فولکلوری کوردی*. عراق، بغداد.
- امانی، محمدسینا (۱۳۸۷). *گردآوری و طبقه بندی قصه های عامیانه ایرانی (منطقه سنندج)*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی سنندج.
- ایگلتون، تری (۱۳۶۸). *پیش درآمدی بر نظریه ادبی*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- بایزیدی، ملامحمود (۱۳۶۹). *آداب و رسوم کردن*. به سعی و اهتمام الکساندر ژابا. ترجمه عزیز محمدپور. بی جا: بی نا.
- پارسا، سیداحمد و لاله صلواتی (۱۳۸۹). «ریخت شناسی حکایت های کلیله و دمنه نصرالله منشی». *بوستان ادب*. س ۲. ش ۴. صص ۴۷-۷۷.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۷۱). *ریشه های تاریخی قصه های پریان*. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: توس.
- _____ (۱۳۸۶). *ریخت شناسی قصه های پریان*. ترجمه فریدون بدره ای. چ ۲. تهران: توس.
- برزنجی، عدنان (۲۰۰۷). *چیروکی فولکلوری*. کردستان عراق، سلیمانیه: سه رده م.
- بکرجویی، ریوار (۲۰۰۸). *چند چیروکی فولکلوری ناوچه ی پشده ر*. کردستان عراق، اربیل: آراس.
- تالکین، جی. آر. آر. (۱۳۸۸). «درباره داستان پریان». ترجمه مراد فرهادپور. *مجله ارغنون*. ش ۲۵.
- تقی، جلال (۱۹۸۴). *شهوانی گوی ناگردان*. ج ۱. بی جا: بی نا.
- _____ (۲۰۰۱). *شهوانی گوی ناگردان*. ج ۲. کردستان عراق، سلیمانیه.

- توحیدی، کلیم‌الله (۱۳۷۹). *درخت چهل دستان: بیست‌ویک افسانه کردی خراسان*. مشهد: محقق.
- جعفر، حاجی (۲۰۰۷). *چاره‌کی ژ جارا*. کردستان عراق، دهوک: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- جمال، ربیوار (۲۰۰۷). *ختکه سوور*. کردستان عراق، اربیل: آراس.
- _____ (۲۰۱۱). *بازی زیرین*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- جندی، حاجی و امین عودال (۲۰۰۸). *فولکلورا کورمانج*. کردستان عراق، اربیل: آراس.
- جوتیار، خالد (۲۰۰۷). *دیو*. ج ۱. کردستان عراق، سلیمانیه: سه‌رده‌م.
- جهانفرد، سجاد (۲۰۰۹). *ئه‌فسانه‌کانی ولاتی میدیا*. ج ۱. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- _____ (۲۰۱۱). *ئه‌فسانه‌کانی ولاتی میدیا*. ج ۲. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- _____ (۲۰۱۴). *ئه‌فسانه‌کانی ولاتی میدیا*. ج ۳. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- حاجی بامرانی، مهدی (۲۰۰۷). *هه‌یامی به‌ری*. کردستان عراق، دهوک: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- حاجی زلمی، ابراهیم (۲۰۱۴). *دیوه چه‌رمه و دیوه سیاه*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- حمه‌صالح توفیق، محمد (۲۰۰۰). *هونراوه و چیروکی فولکلوری کوردی*. ج ۱. کردستان عراق، سلیمانیه: وزارت روشنبیری.
- درویشیان، علی‌اشرف (۱۳۸۶). *افسانه‌ها و متل‌های کردی*. چ ۵. تهران: نشر چشمه.
- رستمی، شاهو (۱۳۸۷). *جمع‌آوری و طبقه‌بندی موضوعی قصه‌های عامیانه شهرستان سروآباد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی سنندج.
- رسول، شکریه (۲۰۰۳). *حه‌کایه‌تی خورافیی کوردی له رووی مورفولوژییه‌وه*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- زمانی، ناهیده (۱۳۸۹). *گردآوری و تحلیل ساختاری داستان‌های اورامان لهون*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه کردستان.
- سسیل، اردیشانه و سسیله سسیل [جلیل، اردوخان و جلیل جلیل] (۱۳۸۶). *افسانه‌های کردان*. ترجمه امیرحسین اکبری شالچی. تهران: نشر ثالث.

- سلدن، رامان و پیتر ویدوسون (۱۳۸۴). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر. ج ۳. تهران: طرح نو.
- سلیمی، هاشم (۱۳۹۰). *چیروک: افسانه‌ها و قصه‌های کردی*. تهران: آنا.
- _____ (۱۳۹۱). *چیروک و نه‌فسانه‌ی موکریان*. بی‌جا: بی‌نا.
- شادی، احمد (۲۰۰۵). *چه‌پکیک چیروکی فولکلوری*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- شاهرخ، عزیز (۲۰۰۲). *چیروک و به‌تیی کوردی*. کردستان عراق، اربیل: آراس.
- شریفی، احمد (۱۳۷۵). *قصه‌ها، حکایات و داستان‌های کردی*. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سنندج. (طرح پژوهشی چاپ‌نشده)
- صالح سعید، محمد (۲۰۰۱). *گه‌وه‌ری دیرینه*. کردستان عراق، سلیمانیه: سه‌رده‌م.
- صفاری، باقی (۱۳۸۲). *نه‌فسانه‌ی هه‌ورامان*. تهران: احسان.
- صفوی، کورش (۱۳۷۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات: نظم*. ج ۱. تهران: نشر چشمه.
- صمدی، عبدالله (۱۳۹۲). *حه‌وت خالی غه‌ریب*. مهاباد: احسان.
- علیرضایی، کرم (۱۳۸۸). *افسانه‌هایی از سرزمین ایلام*. تهران: بنگام.
- عمر خوشناو، هیمن (۲۰۱۳). *کانیی خومان*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- فتوحی، سواره و رسول ویسی (۲۰۱۴). *راز*. ج ۱. کردستان عراق، اربیل: موکریانی.
- گرده‌سوری، جمال (۲۰۰۸). *هه‌نجیری چل تام*. کردستان عراق، اربیل: موکریانی.
- لسکو، רוژه (۱۳۷۰). *داستان‌های کهن کردی*. ترجمه محمد ریانی. بی‌جا: رودکی.
- مارزلف، اولریش (۱۳۹۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمه کیکاووس جهاناداری. ج ۳. تهران: سروش.
- مان، اسکار (۱۳۶۴). *توحفه‌ی موزه‌فهریه*. مهاباد: سیدیان.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران*. تهران: نشر چشمه.
- محمد شیلازی، جمیل (۲۰۰۱). *چیوانوکیت کوردی*. کردستان عراق، دهوک: موکریانی.
- _____ (۲۰۰۵). *چیروکی‌ن میلیین کوردی*. کردستان عراق، سلیمانیه: انستیتو که‌له‌پووری کورد.
- مخموری، پیرداود (۲۰۱۱). *سووری چاوشین*. کردستان عراق، اربیل: آکادمی کوردی.

- _____ (۲۰۱۳). *گهران به دواى ئەفسانەدا*. کردستان عراق، اربیل: یه‌کیه‌تی نووسه‌رانی کورد.
- ملاصالح، حکیم (۱۳۷۴). *داستان‌های عامیانه منطقه کامیاران*. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سنندج. (طرح پژوهشی چاپ‌نشده)
- وکیلان، سیداحمد (۱۳۷۹). *قصه‌های مردم*. تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۳). *متل‌ها و افسانه‌های ایرانی*. ج ۲. تهران: سروش.
- ویسی، رسول و سواره فتوحی (۱۳۷۹). *شه‌وچرا*. ج ۱. ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.
- یاقوتی، منصور (۱۳۹۱). *مادیان چهل کره: افسانه‌هایی از ده‌نشینان کرد*. تهران: کتاب‌آمه.
- Alirezāyi, K. (2009). *'Efsānehāyi 'az Sarzamin-e 'Ilam*. Tehran: Benfām Publication. [in Persian]
- Amāni, M.S. (2008). *Gerdāvāri va Tabaqebandi-e Qesehā-ye 'Āmiyāne-ye 'Trani (Mantaqe-ye Sanandaj)*. MA Thesis in Persian Language and Literature. Islamic Azad University of Sanandaj. [in Persian]
- Ārārāt, 'A. (2008). *Qotuy 'Atār: Qotuy Duwam*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- _____ (2004). *Qotuy 'Atār: Qotuy Yakam*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- _____ (2012). *Qotuy 'Atār: Qotuy Seyam*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- Bakrajoyi, R. (2008). *Chand Chiroki Folklori Nāwchay pshdar*. Iraqī Kurdistan, Erbil: Ārās Publication. [in Kurdish]
- Barzanji, 'A. (2007). *Chiroki Folklori*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Sardam Publication. [in Kurdish]
- Bāyazidi, M. (1990). *'Ādāb va Rosum-e Kordān*. Mohamadpur (Trans.). [in Persian]
- Darvishyān, 'A.'A. (2007). *'Afsānehā va Matalhā-ye Kordi*. 5th Ed. Tehran: Cheshme Publication. [in Persian]
- Eagleton, T. (1989). *Pish Darāmedi bar Nazarye-ye 'Adabi*. Trans. 'A. Mokhber. Tehran: Markaz Publication. [in Persian]
- Ebrāhim Hasan, M. (2008). *Ternakhora*. Iraqī Kurdistan, Erbil: Badrkhān Publication. [in Kurdish]
- Esma'il Shekhāni, S. (1987). *Daqi Chand Chiroki Folklori Kordi*. Iraq, Baghdad. [in Kurdish]
- Fotuhi, S. & R. Vaysi (2014). *Rāz*. Vol. 1. Iraqī Kurdistan, Erbil: Mukryāni Publication. [in Kurdish]
- Grdasuri, J. (2008). *Hanjiri Chl Tām*. Iraqī Kurdistan, Erbil: Mukryāni Publication. [in Kurdish]
- Hāji Bāmarni, M. (2007). *Hayāmi bare*. Iraqī Kurdistan, Duhok: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]

- Hāji Zalmi, 'E. (2014). *Dewa Charma u Dewa Siyāwa*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- Hama Sāleh Tofiq, M. (2000). *Honrāwa u Chiroki Folklori Kordi*. Vol. 1. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Vezārat-e Roshenbiri Publication. [in Kurdish]
- Ja'far, H. (2007). *Jāraki zhe Jārā*. Iraqī Kurdistan, Duhok: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- Jahānfard, S. (2009). *'Afsānakāni welāti Midiyā*. Vol. 1. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- _____ (2011). *'Afsānakāni welāti Midiyā*. Vol. 2. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- _____ (2014). *'Afsānakāni welāti Midiyā*. Vol. 3. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- Jamāl, R. (2011). *Bāzi Zerin*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- Jamāl, R. (2007). *Khetka Sur*. Iraqī Kurdistan, Erbil: 'Ārās Publication. [in Kurdish]
- Jendi, H. & 'A. 'Avdāl (2008). *Folklorā Kormānj*. Iraqī Kurdistan, Erbil: 'Ārās Publication. [in Kurdish]
- Jutyār, Kh. (2007). *Dew*. Vol. 1. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Sardam Publication. [in Kurdish]
- Lescot, R. (1991). *Dāstānhā-ye Kohan-e Kordi*. Trans. M. Riyāni. Tehran. [in Persian]
- Makhmuri, P. (2011). *Suri Chāwshin*. Iraqī Kurdistan, Erbil: Kurdish Academy Publication. [in Kurdish]
- _____ (2013). *Garān ba Dway 'Afsānadā*. Iraqī Kurdistan, Erbil: Yakyati Nusarāni Kord Publication. [in Kurdish]
- Malā Sāleh, H. (1995). *Dāstānhā-ye 'Āmiyāne-ye Mantaqe-ye Kāmyārān*. Bureau of Culture ad Islamic Guidance in Sanandaj. [unpublished research project] [in Persian]
- Mann, O. (1985). *Tohfay Mozafarya*. Mahābād: Sayedyān Publication. [in Kurdish]
- Mahjub, M.J. (2003). *'Adabyāt-e 'Āmiyāne-ye 'Irān*. Tehran: Cheshme Publication. [in Persian]
- Marzolph, U. (2002). *Tabaqebandi-e Qesehā-ye 'Irāni*. K. Jahāndāri (Trans.). 3th Ed. Tehran: Soroush Publication. [in Persian]
- Mohamad Shelāzi, J. (2001). *Chivānoket Kordi*. Iraqī Kurdistan, Duhok: Mukryāni Publication. [in Kurdish]
- _____ (2005). *Chiroken Miliyen Kordi*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- 'Omar Khoshnāw, H. (2013). *Kāni Khomān*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- Pārsā, S.'A. & L. Salawāti (2010). "Rikhtshenāsi-ye Hekāyathā-ye Kalile va Demne-ye Nasrolāh Monshi". *Bustān-e 'Adab*. No. 6. pp. 47-77. [in Persian]

- Propp, V. (1992). *Rishehā-ye Tārikhi-ye Qesehā-ye Pariyān*. F. Badreyi (Trans.). Tehran: Tus Publication. [in Persian]
- _____ (2007). *Rikhtshenāsi-ye Qesehā-ye Pariyān*. F. Badreyi (Trans.). Tehran: Tus Publication. [in Persian]
- Rasul, Sh. (2003). *Hakāyati Khorāfi Kordi la Ruy Morfolojiyawa*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- Rostami, Sh. (2008). *Jam'āvāri va Tabaqebandi-e Muzu'i-e Qesehā-ye 'Āmiyane-ye Shahrestān-e Sarvābād*. MA Thesis in Persian Language and Literature. Islamic Azad University of Sanandaj. [in Persian]
- Safāri, B. (2003). *'Afsānay hawrāmān*. Tehran: 'Ehsān Publication. [in Kurdish]
- Safawi, K. (1994). *'az Zabānshenāsi be 'Adabyāt: Nazm*. Vol. 1. Tehran: Cheshme Publication. [in Persian]
- Sāleh Sa'id, M. (2001). *Gawhari Derina*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Sardam Publication. [in Kurdish]
- Salimi, H. (2012). *Chirok u 'Afsānay Mukryān*. [in Kurdish]
- _____ (2011). *Chirok: 'Afsānehā va Qesehā-ye Kordi*. Tehran: 'Āna Publication. [in Persian]
- Samadi, 'A. (2013). *Hawt Khāli Gharib*. Mahābād: 'Ehsān Publication. [in Kurdish]
- Sasil, O. [Jalil, O.] & S. Sasil [J. Jalil] (2007). *'Afsānehā-ye Kordān*. Trans. 'A.H. 'Akbari-e Shālchi. Tehran: Sāles Publication. [in Persian]
- Selden, R. & P. Widdowson (2005). *Rāhnemā-ye Nazarye-ye 'Adabi-e Mo'āser*. Trans. 'A. Mokhber. 3th Ed. Tehran: Tarh-e No Publication. [in Persian]
- Shādi, 'A. (2005). *Chapkek Chiroki Folklori*. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah: Institute of Kurdish Heritage Publication. [in Kurdish]
- Shāhrokh, 'A. (2002). *Chirok u Bayti Kordi*. Iraqī Kurdistan, Erbil: 'Ārās Publication. [in Kurdish]
- Sharifi, 'A. (1996). *Qesehā, Hekāyāt va Dāstānhā-ye Kordi*. Bureau of Culture ad Islamic Guidance in Sanandaj. [unpublished research project] [in Persian]
- Taqi, J. (2001). *Shawāni Gwe Āgrdān*. Vol. 2. Iraqī Kurdistan, Sulaymaniyah. [in Kurdish]
- _____ (1984). *Shawāni Gwe Āgrdān*. Vol. 1. Iraqī Kurdistan. [in Kurdish]
- Tavahodi, K. (2000). *Derakht-e Chehel Dastān: 21 'Afsāne-ye Kordi-e Khorāsān*. Mashhad: Mohaqeq Publication. [in Persian]
- Tolkien, J.R.R. (2009). "darbāre-ye Dāstān-e Pariyān". M. Farhādpur (Trans.). *'Arghanun*. No. 25. [in Persian]
- Vakilyān, S.A. (2004). *Matalhā va 'Afsānehā-ye 'Irāni*. 2th Ed. Tehrān: Soroush Publication. [in Persian]
- _____ (2000). *Qesehā-ye Mardom*. Tehrān: Markaz Publication. [in Persian]

- Vaysi, R. & S. Fotuhi (2000). *Shawchrā*. Vol. 1. 'Orumye: Salāhadin 'Ayubi Publication. [in Kurdish]
- Yāquti, M. (2012). *Mādiyān-e Chehel Kore: 'Afsānehāyi 'az Dehneshinān-e Kord*.Tehrān: Ketāb-e 'Āme Publication. [in Persian]
- Zamāni, N. (2010). *Gerdāvāri va Tahlil-e Sākhtāri-e Dāstānhā-ye 'orāmān-e Lohon*. MA Thesis in Persian Language and Literature. University of Kurdistan. [in Persian]